



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
**منصور حکمت**

www.m-hekmat.com

دوره دوم

۵۵ ضمیمه

جمعه، ۱۰ مهر ۱۳۸۳

۱ اکتبر ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

# انترناسیونال

سردبیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

## ۷ قرار مصوب کنگره پنجم حزب

صفحه ۴

### قطعه نامه در مورد انشعاب راست از حزب

#### مصوب کنگره پنجم به اتفاق آرا

حزب کمونیست کارگری منعکس شد و اکثریت قاطع حزب خط رسمی و تاکتونی حزب یعنی آلترناتیو چپ را انتخاب کرد.

۲- مباحث و اختلاف نظرات درون حزب پس از در گذشت منصور حکمت عمدتاً بر سر همین مساله اساسی در مقابل جامعه ایران یعنی بر سر استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی و حل انقلابی بحران جمهوری اسلامی صورت گرفت. این اختلافات اساساً حول صفحه ۳

بحران انقلابی حاضر را مهار کند و نظام سرمایه داری را از تهدید یک انقلاب اجتماعی عظیم برهاند. آلترناتیو چپ برعکس، میکوشد تا جمهوری اسلامی را به نیروی انقلابی مردم سرنگون کند، بیشترین عرصه دخالت مستقیم توده های وسیع کارگران و مردم را فراهم آورد، سرنگونی جمهوری اسلامی را به یک انقلاب اجتماعی تمام عیار تبدیل کند و با برقراری جمهوری سوسیالیستی پیروزی قاطع و همه جانبه بر جمهوری اسلامی و سرمایه داری را تضمین کند. این جدال اجتماعی بین چپ و راست در

۱) انشعابی که در اواخر اوت ۲۰۰۴ در حزب کمونیست کارگری ایران صورت گرفت، انعکاس واقعیت های سیاسی پایه ای و اساسی در جامعه ایران است. جامعه ایران برای حل بحران و بن بست جمهوری پیش به انقلاب و آلترناتیو چپ روی می آورد و در قطب مقابل، آلترناتیو راست در برابر انقلاب قرار میگردد. آلترناتیو راست میکوشد تا از طریق کنار گذاشتن جمهوری اسلامی از بالا و یا با دخالت هرچه محدودتر مردم انقلابی و حل و فصل مساله قدرت از بالای سر آنها،

### قدرت ما

### در رادیکالیسم و سوسیالیسم

#### ماست

حمید تقوائی

#### متن سخنرانی افتتاحیه کنگره پنجم حزب

من هم به سهم خود شرکت در کنگره پنجم حزب را به همه شما خوشامد میگویم. همه میدانیم این یک کنگره ویژه و فوق العاده است ولی چرا اینطور است؟ فوق العادگی این کنگره در چیست؟ خواهید گفت شرایط ویژه ای پیش آمد، بحثهایی در گرفت، اختلافات نظری داشتیم و یک کنگره فوق العاده تشکیل دادیم برای اینکه این بحثها و اختلاف نظرات را به سرانجام برسانیم. این بخشی از واقعیت را توضیح میدهد ولی به نظر من این همه داستان نیست. لازم نیست کسی بداند در صفوف ما چه بحثهایی پیش آمد تا به ویژگی این کنگره پی ببرد. کفایت فقط در این کنگره حضور داشته باشد تا بفهمد این کنگره چرا فوق العاده است. این کنگره فوق العاده ای است از یک حزب فوق العاده، از آدمهایی فوق العاده در جهانی که چنین انسانهایی در آن بسیار کم هستند. در دنیایی که تروریسم اسلامی یک گوشه آنست و میلیتاریسم آمریکا گوشه دیگر آن، در جهانی که اسلام سیاسی در قلب اروپاست و دو سوم مردم آن زیر خط فقر زندگی میکنند، دنیایی که جنگ و تروریسم و فقر در آن بیداد میکند، در دل این دنیا یک چنین جمع عظیمی از

#### قطعه نامه درباره

### سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری

### عراق در قبال انشعاب در

### حزب کمونیست کارگری ایران

کارگری ایران موضوعی کاملاً انحلال طلبانه در قبال حزب کمونیست کارگری ایران است، (پ) رهبری حزب کمونیست کارگری عراق با صدور بیانیه حمایت آمیز و با شرکت در

تاسیس حزب منشعبین، که از موضع راست از حزب کمونیست کارگری ایران جدا شده و بیانیه دست راستی و ضد کمونیستی ۲۱ نفره پلاتفرم آن است، حزب

از آنجا که:  
**الف)** فراخوان رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در اطلاعیه مورخ ۲۵ اوت ۲۰۰۴ مبنی بر پیوستن مردم ایران به منشعبین از حزب کمونیست

صفحه ۴

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ قدرت ما در رادیکالیسم و سوسیالیسم ماست

قطعنامه به کنگره معرفی شوند. رفقای متعددی پیام داده اند و اظهار نظر کرده اند. نه فقط راجع به بحثهای داخلی ما، بلکه راجع به حزب و اینکه حزب چه باید بکند. بما میگویند چرا حزب دنبال بحث حزب و جامعه در ایران را نمیگیرد. میگویند ما را تا اینجا آورده اید، گام بعدی چیست؟ میگویند رهنمود بدهید و انتظار ما از کنگره اینست که رو بجامعه بگوید چطور انقلاب را میسازد و ما را در هر عرصه مشخص چطور راهنمایی میکند. من فکر میکنم در هیچ کنگره ای بخش مخفی حزب، آن پیکر عظیمی که هیچوقت دیده نمیشود تا این اندازه در کنگره دخیل نبوده است و تا این درجه کنگره را مربوط به خودش نمیدانسته است. این کنگره ویژه ایست برای اینکه ما مبارزه ویژه ای را در عرصه های مختلف به پیش ببریم. و مهم نیست که کجا هستیم، در اروپا هستیم و یا در ژاپن و استرالیا هستیم و یا در خود ایران، در هر جا هستیم مبارزه واحدی را به پیش میبریم علیه این دنیائی که برای ما ساخته اند.

ما کنگره ویژه ای هستیم برای اینکه منصور حکمت شخصیت ویژه سوسیالیسم ویژه ای هست. سوسیالیسمی که فوری باید پیاده شود و سوسیالیسمی که همین امروز میخواهیمش. سوسیالیسمی که با فعالیت مبارزاتی هر روزه مان داریم معنیش میکنیم. سوسیالیسمی که لازم نیست کتاب خوانده باشید و تئوری بدانید و کتاب کاپیتال را مطالعه کرده باشید و یا لنین را بشناسید تا بفهمید و بخواهیدش. سوسیالیسمی که منصور حکمت گفت زیر پوست هر انسانی پیدایش میکند. ما حزب این نوع سوسیالیسم هستیم. ما حزب انقلاب هستیم نه فقط بخاطر اینکه در قطعنامه هایمان و تئوریهایمان و مباحثمان از انقلاب حرف زده ایم. بخاطر اینکه يك انقلاب زنده در ایران موکول و منوط به اینست که این حزب چه میکند، کجا می ایستد و به کجا میرود. ما حزب انقلابیم بخاطر اینکه جنبش ما از انقلاب ۵۷ بیرون آمد تا

انقلاب بعدی را بسازد. و اگر ما این دو نقطه را بهم وصل نکنیم هیچکس نخواهد کرد و انقلابی در ایران رخ نخواهد داد. ما حزب انقلابیم بخاطر اینکه تاریخ واقعی ایران ده بیست ساله اخیر مهر ما را بر خود دارد. اگر بیست سال بعد تاریخ نویسان به ایندوره نگاه کنند خواهند گفت که اگر این حزب نبود شیرین عبادی رئیس جمهور ایران میشد، اگر این حزب نبود دوره سوم ریاست جمهوری آقای خاتمی شروع میشد. اگر این حزب نبود آقای سروش سکولار نمیشد و اگر این حزب نبود حتی راست جامعه حرفهای را قورت نمیداد. این حزب سوسیالیسم و انقلاب است نه فقط بخاطر حرفها و نظراتش، و یا سیاستهایش و یا برنامه و تئوریهایش. بلکه بیش از همه اینها بخاطر موقعیت عینیش در دنیا، بخاطر موقعیت عینیش در ایران و در فرانسه و در سوئد و در آلمان و در کانادا. امروز افکار عمومی کانادا میدانند که اگر حزب ما نبود دادگاههای اسلامی حل اختلافات خانوادگی در آنجا بر پا شده بود. داشتند کارشان را میکردند. اما امروز استان به استان و ایالت به ایالت دارند طرح دادگاههای اسلامی را رد میکنند، حرف خودشان را قورت میدهد و میگویند چه کسی از قوانین شریعه صحبت کرد؟ ایالت ما این قوانین را رد میکند و قبول ندارد! چرا؟ برای اینکه حزب ما آنجاست. خیال میکنند حرف خودشان را میزنند. خیال میکنند حرف ولتر را میزنند. خیال میکنند حرف لیبرالها را میزنند، خیال میکنند حرف انقلاب فرانسه را میزنند! چه کسی اینها را بیادشان آورده است؟ ما! دارید حرف ما را میزنید! ( کف زدن حضار). طرفدار حقوق بشر شده اند. طرفدار برابری زن و مرد شده اند. میگویند مثل اینکه نسیت فرهنگی آفدرها هم خوب نیست. مثل اینکه تعریف بشر جهانشمول است. بیاد این افتاده اند که جامعه مدنی در عراق لازمست. سر و کله مصلحین پیدا شده است. رفرمیستها پیدا شده اند. دو خرداد فقط مال ایران نیست. ما همه جا دو خرداد بوجود آورده ایم. از دل ارتجاع، از دل ریگانیسم و

تاجرپریم، جهان دارد په چپ میچرخد. خبرنگارهایی در بی سی سی پیدا شده اند که لیبرال چپ شده اند و بدنبال ما میگردند که ما با مصاحبه کنند. ما هر جا که هستیم و هر اندازه که میتوانیم دنیا را به چپ سوق میدهیم. این کنگره، کنگره ماست. این ویژگی ماست. ما يك حزب فوق العاده در این دنیای سیاه هستیم و این کسانی که اینجا نشسته اند سوسیالیست، فعالین و مبارزین ویژه ای هستند. تعداد ما زیاد نیست - اولین وظیفه ما اینست که فعالینی مثل خودمان بوجود بیاوریم و حزب را گسترش بدهیم - ولی انقلابیگری ما، سوسیالیسم ما فقط از عقایدمان و ادبیاتمان نمی آید، از موقعیت عینی ای ناشی میشود که در جهان داریم و اگر کسی این موقعیت عینی را نبیند تئوریهایش هم به راست میچرخد. مثل يك حرفه سیاه که همه چیز را بدخل خود می بلعد اگر موقعیت عینی و اجتماعی خودمان را نبینیم و به آن متکی نشویم و با آن به پیش نرویم، تئوریهایمان را هم با خودمان به ته چاه میبریم. همه چیز حزب از دست عینی مقدم نیست، در دنیای واقعی این رابطه برعکس است. این را مدتها پیش منصور حکمت گفت. این تز پایه ای کمونیسم کارگری است. جامعه ای که چپ را میخواهد و به کمونیسم احتیاج دارد چپ خودش را میسازد. ما حزب يك جنبش عظیم چپ هستیم. حزب انقلاب سوسیالیستی هستیم و کسی که این پایه عینی را نبیند و از آن دور شود کم کم برنامه ها و تئوریهها و سیاستهای انقلابش را هم کنار میگذارد. یا اینکه آرمانهایش را قاب میکند و سر تاقچه میگذارد و در عمل تیشه به ریشه حزب انقلابی میزند. رفقا این تعارف نیست این يك واقعیت است: بدون حزب ما جنبش سرنگونی علیه رژیم اسلامی به اینجا نمیرسید و در آینده هم بدون حزب انقلابی در ایران در کار نخواهد بود. بدون حزب ما جمهوری اسلامی تا به این حد تضعیف نمیشد، و اسلام سیاسی در سراسر جهان میتازید بی آنکه با هیچ مقاومتی روبرو شود. ما داریم در ایران و در دنیا سوسیالیسم و انقلاب را نمایندگی میکنیم. این ویژگی

ماست.

میگویند خوب، بحثهای داخلیمان چه میشود؟ من میپرسم داخلی؟ کدام داخل؟ آیا دیواری بین حزب ما و جامعه هست؟ ما بحث خودمانی داشتیم؟ بر سر تفاوت سلیقه مان در نوع غذا و لباس بحثمان شد؟ کدام بحث داخلی؟ آن جنبشهایی که این ویژگیهای ما را نداشتند آمدند تا این ویژگیها را نفی کنند. و این تلاش در صفوف ما منعکس شد. در صفوف ما حرفهای زدن که برای جنبش ما کاملاً غریب و تازه بود اما در جامعه و در جنبش راست حرف تازه ای نبود. ما در جامعه مشغول جنگیدن در برابر نظراتی بودیم که میگفت انقلابی در کار نیست، سوسیالیسم عملی نیست و تئوریهها و برنامه ها و اهداف دیگری را در مقابل جامعه قرار داده بود. بیش از دو دهه با این نظرات جنگیدیم و آنها را به عقب راندیم و ناگهان دیدیم که از داخل سنگر خودمان همان نغمه ها شنیده میشود. بحث اصلاً داخلی نبود. بخشی از این سیاسی تر و اجتماعی تر و بیرونی تر مندهاست که در حزب نداشتیم. میخواستند هرمان کنند. میخواستند ما را به شکل حزب متعارف در بیاورند. میخواستند ویژگیهایمان را بزنند. میخواستند از راههای متعارف بقدرت برسیم. به جای اتکا به رادیکالیسم میخواستند به افکار عمومی ساخته و پرداخته راست جهانی و ایرانی متکی بشوند. میخواستند پایون بزینم و متمدن بشویم و ویژگی هایمان را يك بيك کنار بگذاریم. انقلاب و قیام غیر متمدانه است؟ رفقا، وحوش، جانوران سیاسی در پارلمانها هستند، در دولتها هستند. متمدین، آن دنیای متمدنی که منصور حکمت میگوید در خیابانها است. ما نماینده این جهان متمدین به بالا نگاه کردند و ظاهراً متمدین را آن بالا پیدا کردند. گفتند باید متعارف بشوید. گفتیم انقلاب گفتند کدام انقلاب؟ انقلابی در کار نیست، این فروپاشی است. گفتیم سوسیالیسم گفتند حرفش را نزنید، مردم رم میکنند، نیروهایمان پراکنده میشوند. گفتیم کنگره گفتند مراسم تدفین است در آن شرکت نمیکیم. این یکی را درست گفتند يك نظر را میخواستیم دفن

کنیم. يك نظر و سیاست را و این را تشخیص دادند و به کنگره نیامدند. این کنگره تشکیل میشود تا بگوید ما حزب انقلاب سوسیالیستی هستیم. (کف زدن حضار). رفقا ما درگیر ساختن این انقلاب هستیم. ما در نقطه شروع نایستاده بودیم که یکی بگوید راه الف را باید رفت و یکی بگوید راه ب را. ما بیست و پنجسال است، از انقلاب ۵۷ راه خودمان را انتخاب کرده ایم و این راه بعد از منصور حکمت ادامه پیدا کرد. ما کنگره چهارم و پنجم را داشتیم و راه منصور حکمت را ادامه دادیم و به پیش رفتیم. به ما میگفتند این راه بجائی نمیرسد. این راه ظاهراً زیادی ایدئولوژیک بود، زیادی آرمانی بود، و پا در هوا و غیر واقع بینانه بود. کاری که ما باید بکنیم، کاری که این کنگره باید بکند، باید بر خط و سیاست رادیکال و ماکسیمالیستی همیشه ما تاکید کند. هیچ سیاست و موضع جدیدی را لازم نیست تصویب کنیم. لازمست بگوئیم به خط تا امروزمان ادامه میدهم، مسائل امروز را بر بنای اینخط حل و فصل میکنیم و موانع را از سر راهمان برمیداریم و نشان میدهم که در دل همین شرایط امروز چطور باید انقلاب سوسیالیستی را ساخت و چطور باید پیروز شد. این کاریست که کنگره باید انجام بدهد. مرسوم است که برای کنگره ها اسم بگذاریم. من میگویم این کنگره، کنگره انقلاب سوسیالیستی است. کنگره انقلاب و کنگره سوسیالیسم است. نه بعنوان ایده آل و آرمانی که بعداً باید متحقق بشود بلکه بعنوان کار و فعالیتی که همین امروز همه ما درگیرش هستیم و باید بسیار وسیعتر، بسیار فعالتر و بسیار همه جانبه تر با آن درگیر شویم. این کنگره رو بجامعه برای همه کسانی که از اینترنت دارند ما را میبینند و یا بعداً فیلمهای کنگره را می بینند و یا به اسناد کنگره رجوع میکنند، باید روشن کند که چطور باید انقلاب را ساخت، به کجا باید برویم و چطور باید برویم. قطعنامه ها و اسنادش را داریم و در این کنگره بحث و بررسی میکنیم و به تصویب میرسانیم. رفقا ما حزبی هستیم که امروز میلیونها چشم به آن خیره شده است،



ما دیگر فقط کنفرانس برلینی نیستیم لقب ما در ایران کانال جدیدی هم هست. و این يك لقب چپ است. کانال جدیدی یعنی رادیکال، یعنی شفاف و روشن، یعنی کسی که حرف دل مردم را میزند و آرمانهای مردم را نمایندگی میکند. این حزب نمیتواند دیگر در مقیاس محافل و گروه ها و فرقه ها و حتی احزاب متعارف فکر و عمل کند. این حزب یا در این میدان و در مقابل چشم میلیونها نفر نشان میدهد که چطور باید انقلاب را سازمان داد و به پیروزی رساند و یا هیچ چیزی از گذشته اش نماند. بقول منصور حکمت بر نمیگردید به سر جای امروزتان. یا در همین راهی که تا امروز آمده ایم با جدیت و فعالیت و قاطعیت بیشتر به پیش میرویم و یا تمام میشویم. به کمونیست شکست خورده امان نمیدهند. کمونیست شکست خورده حزب لیبرالها نیست که برود در دانشگاهها درس بدهد تا دوباره به پارلمان دعوتش کنند. کمونیسم شکست خورده را جارو میکنند. ولی آیا میتوانند ما را شکست بدهند؟ این تماما بسته به کار و فعالیت ماست. آن جهان متمدنی که منصور حکمت به آن رجوع میکند میگوید کمونیسم کارگری در صحنه است. در صحنه سیاست ایران نگاه کنید میبینید که ما حزب اکثریت قاطع جامعه، حزب کارگران و جوانان و زنان هستیم. ما حزب نود درصد مردم جامعه هستیم، آن جامعه، نیازها و ضروریات آن جامعه، اجازه نمیدهد کمونیسم کارگری را حذف کنند.

بقول منصور حکمت اگر ما هم نباشیم چپ جامعه و جنبش کمونیسم کارگری حزب خودش را میسازد و حولش متشکل میشود. حزب ما حزب ضرورت و نیاز زمانه ماست و تا وقتی این ضرورت و نیاز هست وظیفه ما پاسخ به این نیاز است. این انتظار از ما می رود، این خلا را باید پر کنیم. دنیا بدون ما بسیار سیاه تر و کثیف تر و تاریک تر میبود. این نور و این روشنی باید ادامه پیدا کند، ما باید جایگاه و نقش خودمان را بشناسیم و محکم و استوار این نقش و مکان را حفظ کنیم.

رفقا ما يك حزب فوق العاده ایم و این کنگره يك کنگره فوق العاده است. و کسانی که این ویژگیها را ندیدند و نخواستند، در این کنگره شرکت نکردند. ما در این کنگره یکبار دیگر دور هم جمع شده ایم تا تاکید کنیم بر خط و سیاستی که داشتیم و بر مبارزه ای که پیش میبردیم. این مبارزه بداخل سنگرهایمان کشیده شد و ما با تمام قوا ایستادیم و جنگیدیم. همانطور که همه ما و در جامعه وقتی به چنین نظراتی بر میخوریم می ایستادیم و می جنگیدیم. مبارزه خوشایندی نبود، يك تراژدی بود و سخت بود. رفقای همسنگرت بودند رفقای بودند که سالها در کنار هم مبارزه مشترکی را به پیش میبردیم. تراژدی فقط انشعاب و جدائی این رفقا نیست. این بخشی از مساله است. تراژدی وقتی است که میبیند رفقای قدیمیتان حرفی را میزنند که تا دیروز از سنگر مقابل میزدند. مسلما آگاهانه و عمدانه

چنین نمیکنند ولی بطور عینی و واقعی و در بطن جامعه در تقابل میان چپ و راست در کنار راست قرار میگیرند. کسی که تا دیروز در کنار ما ایستاده بود و همین نوع سیاستها و نظرات و عقایدی که امروز پرچمش را بلند کرده نقد میکرد امروز در مقابل ما قرار گرفته است. تراژدی ایجاست. چرا اینطور میشود؟ چرا احزاب کمونیست انشعاب میدهند؟ چرا در احزاب راست کمتر شاهد چنین انشعابهائی هستیم؟ دلیل روشن است. چون حزب بورژوا يك حزب متعارف است، حزب عقاید عمومی است، حزب سنتها و فرهنگ مسلط است. تمام مذهب و ناسیونالیسم و فرهنگ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی طبقاتی حزب بورژوا را نگاه میدارد و هر فرقه اش و هر فراکسیونش و هر بخشش بالاخره دارد در چارچوب فرهنگ و ارزشهای مسلط کار میکند و ساز طبقه حاکمه را میزند. اما حرفهای ما کمونیستها را از جای دیگری نمیشنود. در فیلمها و رمانها این حرفها و عقاید را نمیبینید. در بی بی سی و سی ان ان نمیبینید. در روزنامه ها نمیبینید. مادرها با حرفهای ما برای بچه هایشان لالائی نمیگویند، در کودکستانها حرفهای ما را سرود نمیکنند، در مدارس حرفهای ما را درس نمیدهند و اگر ما مدام و با صدای بلند عقایدمان را بیان نکنیم و بر آن پا نفرسیم فرهنگ مسلط هجوم میآورد. اگر ویژگیهای خودمان را نبینیم اگر این گوهر را در دست نداشته باشیم و بر ماکسیمالیسم و رادیکالیسم و

سوسیالیسم استوار نمانیم به ما هجوم می آورند و در سنگر خودمان میگویندمان. این اولین انشعاب در حزب ما نبود، امیدوارم آخرینش باشد ولی اگر هم نباشد تعجب نکنید. دعوی درونی در کار نیست. اینطور نیست که ما با هم نمیسازیم، فرهنگ مسلط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه با ما نمیسازد. ویژگی ما را بر نمیتابد و مقطعی هست که میبینید در صفوف خودتان در مقابل شما ایستاده است. باید ایستاد و جنگید و کنارش زد. اگر حزب رادیکال و خلاف جریان و افراطی و غیر متعارف نباشیم دیگر چیزی برایمان نمانده است. این ویژگیها را از دست بدهیم نود درصد مردم ایران امیدشان را از دست میدهند. کارگران و زنان و جوانان در ایران امید به رهائی را از دست میدهند. و نه فقط در ایران بلکه سکولارهای کانادا و تورنتو هم نومید میشوند، آخوند را وارد زندگی زنانی میکنند که ما تا امروز اجازه نداده ایم دادگاه شریعه بر زندگیشان چنگ بیندازد، اگر این ویژگیها را از دست بدهیم به سرکودکان خانواده های مسلمان در اسکاندیناوی چادر میکنند. این ویژگیها را از دست بدهیم امیدی به سوسیالیسم و امیدی به آزادی نماند. انشعاب میدهیم متاسفانه. برای آنکه تمام دستگاه سیاست سازی و حزب متعارف سازی دنیا علیه ماست. این جزئی از مبارزه ما، بخشی از مبارزه ما با کل جنبش راست در دنیاست. تاسف اینجاست، تراژدی اینجاست که این مبارزه به داخل سنگرهای خودمان

کشیده شده است. برای جلوگیری از تکرار چنین تراژدی ای باید رادیکالیسم و ماکسیمالیسم و سوسیالیسم را در دست بگیریم و مثل تخم چشمان از آن مواظبت کنیم. من در مورد شخصیت تک تک رفقای که رفته اند قضاوتی نمیکنم و حرفی نمیزنم. هیچوقت این کار را نکرده ام. همه آنها رفقای شریف و رادیکالی هستند، انسان بالاخره اشتباه میکنند، تند پیچها را تشخیص نمیدهد و هزار و يك عامل باعث میشود انسان انتخاب سیاسی اشتباهی بکند. من امیدوارم خیلی از این رفقا برگردند و در کنگره یعنی صندلیهای خالی را پر کنند. جنگی که من کردم جنگ با جبهه مقابل بود وقتی که دیدم از سنگر خودمان سر در آورده است. و این نبرد جزئی از مبارزه و نبرد همیشگی ما کمونیستهاست. ما دعوی داخلی با کسی نداشتیم و نداریم. این يك مبارزه اجتماعی و سیاسی و طبقاتی است. ما یکبار دیگر از این نبرد پیروز می شویم و این کنگره تشکیل شده است تا این پیروزی را اعلام کند. اگر در این نبرد شکست میخوریم در جبهه علیه شریعه در جبهه اول ماه مه سنقز و در جبهه حزب و جامعه در ایران و در جبهه علیه اسلام سیاسی و در جبهه علیه جمهوری اسلامی شکست میخوریم. شك نداشته باشید. قدرت ما ویژگی ماست قدرت ما اینست که فوق العاده ایم. رفقا یکبار دیگر حضور شما را در کنگره فوق العاده خوب کمونیست کارگری ایران خوشامد میگویم. \*

## از صفحه ۱ قطعنامه در مورد انشعاب راست از حزب

دیدگاهی بوجود آمد که بوسیله رفیق کورش مدرسی در حزب مطرح شد. در این دیدگاه انقلاب به بهانه های مختلف از استراتژی تصرف قدرت سیاسی حذف میشود و بجای آن دیپلماسی قدرت و تشکیل دولتهای ائتلافی قرار میگیرد. توهم به تصرف قدرت بدون انقلاب عملا به دست شستن از تغییر نظام اجتماعی و تحقق سوسیالیسم منجر میشود. ائتلاف و سازش طبقاتی و یا اوتانوریسم از نتایج گریز ناپذیر این نوع خیره شدن بقدرت و نادیده گرفتن انقلاب است.

۳- مواضع و تزهائی نظیر حذف انقلاب از استراتژی تصرف قدرت، عدم امکان بقدرت رسیدن کمونیستها در مبارزات و جنبش انقلابی جاری علیه جمهوری اسلامی، طفره رفتن از سازماندهی انقلاب سوسیالیستی و کلا دست شستن از انقلاب، توهم به سرنگون کردن رژیم با حمله به خانه سه نفر از مقامات حکومتی، جانشین کردن جمهوری سوسیالیستی با حکومت حزب، طرح این نظر که قیام خشونت است و راه متمدنانه تصرف قدرت

مجلس موسسان و رفراندوم است، طرح اینکه در شرایط حاضر مردم از سوسیالیسم رم میکنند و در صورت کسب قدرت حزب باید از اعلام سوسیالیسم خودداری کند، و مواضع مشابهی که صریحا از جانب منسعبین در مباحثات درون حزبی مطرح شد آشکارا با کمونیسم کارگری، برنامه و سیاستهای حزب و مصوبات کنگره های قبلی در تناقض کامل قرار دارد.

۴- بیانیه ای که در تاریخ ۱۱ اوت به امضای ۲۱ تن از منسعبین منتشر شد بیانیه ای بغایت راست و ضد کمونیستی است. این بیانیه يك

ادعایمانه تماما جنگ سردی و مک کارتیستی علیه حزب و مملو از افترا، اهانت و ترور شخصیت است و اتهامات "کلاسیکی" که علیه حزب طرح میکند ساخته و پرداخته دستگاه های تبلیغی غرب در دوره جنگ سرد است. اتهامات و ادعاهای این بیانیه علیه حزب و شخصیتهای حزبی تماما بی پایه و کذب محض است.

با توجه به نکات فوق کنگره انشعاب اخیر از حزب را يك انشعاب از راست میدانند، و اعلام میکنند حزبی که منسعبین تاسیس کرده اند اگر این نظرات را مبنای سیاستها و

فعالیتهای خود قرار بدهد، جایی در جنبش کمونیسم کارگری نخواهد داشت. کنگره همچنین اعلام میدارد که مبارزه همه جانبه نظری که حول این نظرات در درون حزب درگرفت و نقد آنها از جانب بخش وسیعی از رهبری و کادرها اکنون حزب ما را به مراتب برای انجام وظیفه تاریخی اش یعنی قرار گرفتن در پیشاپیش جنبش کارگران، زنان و جوانان و توده های مردم و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی و تحقق آزادی و برابری و رفاه آماده تر و منسجم تر و مصمم تر ساخته است. \*

## سه قرار در مورد علنیت، ارتباط کمیته مرکزی و دفتر سیاسی و ارتباط اعضا و ارگانهای رهبری

به اتفاق آرا تصویب شد

### قرار در مورد

#### علنی شدن مباحث دفتر سیاسی

قرار (۱) کنگره بر لزوم علنی بودن تمام مباحث تئوریک و سیاسی درون حزب تاکید میکند. بحثهای کتبی باید در اولین فرصت از طریق نشریات و بولتنهایی منتشر شوند و بحثهای شفاهی در سمینارها و جلسات علنی برگزار شوند.

### قرار در مورد

#### دسترسی کمیته مرکزی به اسناد دفتر سیاسی

قرار (۲) اعضای کمیته مرکزی حق دارند به تمام اسناد و مباحث دفتر سیاسی و سایر ارگانهای درون کمیته مرکزی دسترسی پیدا کنند. دفتر سیاسی و ارگانهای درون کمیته مرکزی موظفند امکان دسترسی اعضای کمیته مرکزی به اسناد کتبی و صورت جلسات و نوارهای بحثهای شفاهی خود را فراهم کنند.

### قرار در مورد

#### شرکت اعضای کمیته مرکزی در جلسات دفتر سیاسی

قرار (۳) اعضای کمیته مرکزی میتوانند در جلسات دفتر سیاسی شرکت کنند.

از صفحه ۱

### قطعنامه درباره سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری

#### عراق در قبال انشعاب در حزب کمونیست کارگری ایران

کمونیستی کارگری عراق را در معرض چرخش به راست قرار داده است،

رهبری حزب کمونیست کارگری عراق بدون اینکه جامعه عراق و اعضا و کادرها و حتی کمیته مرکزی این حزب را از مضمون اختلافات سیاسی در حزب کمونیست کارگری ایران مطلع کند، در سیاست همیشگی خود در قبال حزب کمونیست کارگری ایران چرخش کرده و عملاً حزب کمونیست کارگری عراق را بشیوه ای کاملاً غیرمسئولانه در مقابل یک عمل انجام شده قرار داده است،

لذا کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران بر نکات زیر تاکید میکند:

۱- کنگره سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق را شدیداً تقبیح میکند و از آنها میخواهد که موضع انحلال طلبانه خود را مورد تجدید نظر قرار دهند.

۲- کنگره از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران میخواهد که اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق و همینطور جامعه عراق را از تحولات درونی و مضمون سیاسی اختلافات درون حزب کمونیست کارگری ایران مطلع کند.

۳- سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در قبال انشعاب و موضع خصمانه آنان نسبت به حزب کمونیست کارگری ایران ضربه آشکاری به جنبش کمونیسم کارگری در عراق و ایران و تحزب این جنبش در هر دو کشور است. حزب کمونیست کارگری ایران خود را موظف به دفاع از جنبش کمونیسم کارگری در عراق میداند و تقویت آن و جلوگیری از به انحراف کشیدن آنرا یک وظیفه میبرم رهبری حزب میداند. کنگره از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران میخواهد که سیاست فعالی را در این جهت در دستور کار خود بگذارد و همه فعالین کمونیسم کارگری را به این حرکت فرامیخواند. \*

### قرار در قردادانی از رفیق حمید تقوائی

کنگره پنجم حزب از تلاشهای بیدریغ و پیگیر رفیق حمید تقوائی، لیدر حزب، در دفاع از مصوبات کنگره های حزب و اصول و اهداف برنامه ای، مقابله قاطع و سازش ناپذیر با گرایش راست درون حزب و فراخوان کنگره پنجم برای به فرجام رساندن این جدال سیاسی درون حزب صمیمانه قردادانی میکند.

به اتفاق آرا تصویب شد.

### قرار در قردادانی از رفیق علی جوادی

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری از رفیق علی جوادی بخاطر تلاش پیگیرانه او در محبوب کردن کمونیسم و گسترش چشمگیر نفوذ حزب در ایران از طریق برنامه های تلویزیونی، قردادانی میکند.

به اتفاق آرا تصویب شد.

### قرار در حمایت از فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق

کنگره ۵ حزب کمونیست کارگری ایران از فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق قاطعانه حمایت میکند و از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران میخواهد تا از فعالین این فراکسیون برای اینکه مواضع و نظرات آن به خط رسمی حزب کمونیست کارگری عراق تبدیل شود با تمام قوا حمایت کند.

با یک مخالف و دو ممتنع تصویب شد.

### قرار علیه هتک حرمت

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران کمپین منشعبین برای هتک حرمت، ترور شخصیت و افترا زدن علیه رهبری حزب بویژه علیه رفقا علی جوادی، آذر ماجدی، اصغر کریمی، حمید تقوائی و مینا احدی را قاطعانه محکوم میکند.

با سه رای مخالف و یک ممتنع تصویب شد

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!